

[مقدمه واجب 1](#_Toc30583728)

[اقوال وجوب مقدمه واجب 1](#_Toc30583729)

[بررسی وجوب مقدمه موصله 1](#_Toc30583730)

[وجود غرض در متعلق وجوب غیری 1](#_Toc30583731)

[کشف وجوب مطلق مقدمه از اوامر غیریه عرفیه 2](#_Toc30583732)

[وجوب مقدمه واجب به صورت مهمل( نه مطلق و نه مقید) 3](#_Toc30583733)

[اشکال مبنایی مرحوم خویی: عدم معقولیت اهمال ثبوتی 3](#_Toc30583734)

[اشکال بنایی استاد: عدم عقلائیت بقاء اهمال وجوب مقدمه 4](#_Toc30583735)

[تدارک مطلبی از جلسه قبل 5](#_Toc30583736)

**موضوع**: بررسی وجوب مقدمه موصله /اقوال وجوب مقدمه واجب /مقدمه واجب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد بررسی وجوب مقدمه واجب بود. بعضی از اصولیون قائل به وجوب مقدمه موصله بودند و برای این ادعا ادله ای را مطرح کردند. در جلسه قبل به بررسی دلیل مرحوم سید محمد باقر صدر و بعضی دیگر پرداخته شد و استاد آنها را قبول نکردند. در این جلسه به بررسی ادعای صاحب حاشیه و تقریب مرحوم نائینی از کلام ایشان پرداخته می­شود.

# مقدمه واجب

## اقوال وجوب مقدمه واجب

### بررسی وجوب مقدمه موصله

#### وجود غرض در متعلق وجوب غیری

آخرین دلیلی که درجلسه قبل برای وجوب مقدمه موصله مطرح شد، این بود که ملاک در متعلقِ ایجاب مقدمه نیست؛ بلکه ملاک در جعل است و آن ملاک عبارت است از ارتباط و ترابط بین مقدمه و ذی المقدمه. در نتیجه چون این ملاک در خصوص مقدمه موصله وجود دارد، خصوص مقدمه موصله واجب است.

علاوه بر اشکالی که در جلسه قبل مطرح شد، این ادعا روشن نیست. این که ادعا شده است در باب مقدمه واجب، ملاک در جعل حکم است، صحیح نیست. هر چند که ما یک احکامی داریم که ملاک در جعل آنها است. مثلا ملکیتی که برای حیازت جعل شده است، ملاک ندارد؛ بلکه موضوع حرمت تصرف غیر را محقق می­کند. یا مثلا نفس جعل نجاست برای خمر ملاک دارد و موضوع حرمت شرب نجس را محقق می­کند؛ پس در احکام وضعیه، ملاک در جعل است. (این ادعا در کلمات مرحوم حاج شیخ اصفهانی نیز وجود دارد) اما این که در باب مقدمه واجب، ملاک در نفس ایجاب و اراده است، واضح نیست. در باب مقدمه واجب ملاک در متعلق است؛ ولی ملاک غیری دارد، حالا یا موصلیت است و یا مقدمیت است؛ یعنی چون که توقف وجود دارد، داعی شده است که وجوب را جعل کند، یا توقف به علاوه موصلیت موجب شده است که وجوب برای مقدمه جعل شود؛ پس جهت توقف و موصلیت ملاکی است که موجب جعل وجوب شده است؛ لذا ما نتوانستیم بفهمیم که چرا ملاک فقط در جعل است.

بله؛ این بحث وجود دارد که ملاک، توقف است (اعم از این که موصله باشد یا نباشد) یا ملاک در موصله بودن مقدمه است و ما گفتیم این مطالب برهان ندارند و وجدان در این باب حکم می­کند و ما سابقا به این نتیجه رسیده بودیم که وجدان حکم می­کند که مطلق مقدمه واجب است در این دوره نیز وقتی به اشکالات مواجه شدیم و بیشتر دقت کردیم، بیشتر به این نتیجه رسیدیم که مطلق مقدمه واجب است.

#### کشف وجوب مطلق مقدمه از اوامر غیریه عرفیه

یکی از منبهاتی که برای وجوب مطلق مقدمه وجود دارد این است که جهت ایصال به ذی المقدمه نزد عرف مد نظر قرار نگرفته است. مثلا اگر والد، فرزندش را امر می­کند که مجتهد بشود و امر به شرکت در درس فلانی(که مقدمه اجتهاد است) نیز می­کند، هر چند که امر به مقدمه به خاطر ذی المقدمه می­کند؛ اما به مقدمه بما هی موصله امر نمی­کند؛ لذا مرحوم آخوند می­فرمود: ایصال به اختیار مکلف مربوط می­شود و ربطی به اراده مولا ندارد؛ بلکه ما می­گوییم بعضی اوقات در اختیار ملکف هم نیست؛ بلکه منوط به موارد دیگری است که در اختیار مکلف هم نیست. مثلا شرکت در درس فلانی لزوما به معنای این نیست که حتما موصل به اجتهاد باشد؛ بلکه ایصال به اجتهاد به اراده خداوند است. هر چند که والد حضور ولد در درس فلانی را اراده کرده است و چون اجتهاد متوقف بر شرکت در درس فلانی است، آن را اراده کرده است؛ ولی موصله بودن و نبودن آن به وسیله توفیق خداوند است. باید یک توفیقی به شرکت در درس ضمیمه بشود تا ایصال به اجتهاد بشود و در اختیار مکلف نیست.

بالوجدان، والد اراده حضور در درس فلانی را از باب مقدمه دارد و معنا ندارد که موصله بودن را اراده کند و اگر هم اراده ایصال به اجتهاد کرده، به صورت رجاء است. اگر از والد بپرسیم که با شرکت ولد در این درس مجتهد می­شود یا نه؟ در جواب می­گوید: اجتهاد به اراده خداوند است.

#### وجوب مقدمه واجب به صورت مهمل( نه مطلق و نه مقید)

مرحوم محمد تقی اصفهانی صاحب حاشیه ( برادر صاحب فصول) می­فرماید: امکان ندارد که واجب غیری مقید به ایصال بشود؛ زیرا این تقید محذور دارد. مرحوم نائینی کلام ایشان را توضیح داده و فرموده است[[1]](#footnote-1): از یک طرف تقیید به موصله بودن مقدمه، موجب دور و تسلسل می­شود و از طرف دیگر غرض از مقدمه ترتب ذی المقدمه است، نمی­شود ما از غرض و ترتب صرف نظر کنیم؛ پس متعلق وجوب غیری، مهمل است؛ یعنی نه مطلق است و نه مقید است؛ زیرا مطلق با غرض سازگاری ندارد و مقید نیز با محاذیر سازگاری ندارد.

بعد مرحوم نائینی اضافه کرده است: وقتی تقیید وجوب مقدمه به موصله بودن محال شد، اطلاق هم محال است؛ زیرا تقابل آنها تقابل ملکه و عدم است. پس مقدمه واجب علی سبیل الاهمال واجب است.

تذکر این نکته لازم است که اهمال اثباتی را همه قبول دارند که اشکالی ندارد؛ اما نسبت به اهمال ثبوتی( به این معنا که محدوده متعلق امر مولا ثبوتا معین نشده باشد) اختلاف وجود دارد. مثلا مولا وجوب را فعلا جعل کند و نسبت به قصد قربت مهمل باشد تا بعدا (با متمم الجعل) حدود آن را روشن کند؛ لذا در بحث وجوب مقدمه واجب گفته می­شود: تقیید و اطلاق وجوب مقدمه محال است؛ پس وجوب مقدمه مهمل است.

##### اشکال مبنایی مرحوم خویی: عدم معقولیت اهمال ثبوتی

مرحوم خویی فرموده است[[2]](#footnote-2): معنا ندارد که حاکم محدوده حکمش معلوم نباشد و اهمال معقول نیست و از طرفی هم تقابل بین اطلاق و تقیید را ضدان لا ثالث لهما است؛ پس تقیید که محال بود؛ اطلاق ضروری است؛ زیرا اهمال و تقیید که محال است پس اطلاق ضروری است.

این بحث مبنایی است و اشکال مبنایی ارزش زیادی ندارد.

##### اشکال بنایی استاد: عدم عقلائیت بقاء اهمال وجوب مقدمه

به نظر ما ادعای مرحوم نائینی صحیح نیست؛ زیرا ایشان در باب تعبدی و توصلی فرموده است: اهمال در جعل اول معقول است؛ ولی مهمل گذاشتنِ جعل، عقلائیت ندارد (این ادعا صحیح است که عقلائیت ندارد) یعنی مقنِّن باید به جعل ثانی جعل اول را تکمیل کند و نمی­شود قانون مهمل باقی بماند.

با توجه به این مطلب گفته می­شود: مرحوم نائینی که اهمال را معقول می­داند و از طرفی می­فرماید: باید از اهمال خارج بشود پس چگونه در باب مقدمه واجب می­فرماید وجوب مقدمه واجب مهمل است؟

بله؛ در باب تعبدی و توصلی مرحوم نائینی فرموده است: ممکن است در بعضی از موارد متمم الجعل پیدا بشود و قصد قربت واجب است؛ ولی در همه واجبات نمی­توان متمم الجعل پیدا کرد و لذا گفته می­شود: متمم الجعل اگر به صورت تقیید باشد جعل با تقیید تمام می­شود و گاهی اوقات با سکوت، متمم الجعل محقق می­شود و جعل اول را از اهمال خارج می­کند.

در محل کلام نیز گفته می­شود: در محل کلام مولا سکوت کرده است و از سکوت مولا کشف می­شود که مقدمه موصله را واجب کرده است؛ زیرا در ارتکاز مردم این است که موصله بودن واجب است؛ پس حال که مولا سکوت کرده است کشف می­شود که مقدمه موصله واجب است؛ لذا نمی­شود وجوب مقدمه مهمل باشد.

ان قلت: از سکوت مولا نمی­توان اهمال را از بین برد؛ زیرا همان طوری که مرحوم نائینی فرمود: تقیید وجوب مقدمه به موصله بودن، محال است؛ پس اطلاق آن هم محال است؛ لذا اهمال وجوب مقدمه باقی است، بر خلاف بحث قصد قربت که با جعل ثانی می­توانست، جعل اول را از اهمال خارج کند؛ چون اشکال دور نسبت به امر اول مطرح بود و جعل ثانی اشکالی نداشت؛ اما در محل کلام با متمم الجعل نیز نمی­توان اهمال جعل اول را از بین برد؛ زیرا محذور تقیید وجوب به موصله، نسبت به جعل ثانی نیز وجود دارد؛ پس اهمال کما کان باقی است.

قلت: مولا می­تواند با قضییه حینیه اهمال را از بین ببرد؛ پس هر چند که تقیید وجوب مقدمه به موصله بودن محذور دارد؛ ولی با قضیه حینیه می­توان تقیید را بیان کرد. تقیید مقدمه به موصله منحصر به صیاغیت نیست؛ بلکه فرض این است که جعل اول مهمل است و باید از اهمال خارج بشود و تکمیل آن به تقیید نیز امکان ندارد؛ اما راه دیگری وجود دارد و آن این است که با قضیه حینیه آن تقیید را به دیگران برساند.

#### تدارک نکته­ای از کلام مرحو م نائینی

مرحوم نائینی تقیید واجب را به موصله محال می­داند. در جلسه قبل ما گفتیم از یک طرف مرحوم نائینی ادعای سید یزدی را قبول کرده است و نهی از مقدمات غیر موصله را صحیح دانسته است و لازمه آن صحت تقیید وجوب به مقدمه موصله بود و از طرفی دیگر با مرحوم آخوند در این که تقیید وجوب مقدمه را به موصله محال می­دانست، همراه شد؛ لذا تناقض گویی در کلام مرحوم نائینی لازم آمده است.

اگر مراد مرحوم نائینی از این کلامش که ادعای مرحوم سید را قبول کرد، این است که نهی صحیح است؛ پس تخصیص به موصله محذور ندارد، اشکال ما وارد است؛ چون لازمه صحت نهی، تخصیص وجوب به موصله است و با محال بودن تقیید وجوب به موصله تنافی دارد و اما اگر مقصود مرحوم نائینی حیثی باشد، اشکال ما وارد نیست؛ یعنی اگر مراد ایشان از قبول ادعای مرحوم یزدی از این حیث است که طلب حاصل پیش نمی­آید و اشکال مرحوم آخوند وارد نیست و از حیثی که دور لازم می­آید نمی­تواند نهی کند، ادعای مرحوم نائینی صحیح است؛ پس در نتیجه صحت نهی را مرحوم نائینی، حیثی قبول کرده است و از جهت طلب حاصل اشکالی وجود ندارد و می­تواند مولا نهی کند، اشکال ما وارد نیست.

1. [اجود التقریرات، نائینی، ج1، ص240.](http://lib.eshia.ir/10057/1/240/بقی) [↑](#footnote-ref-1)
2. [اجود التقریرات، نائینی، ج1، ص141.](http://lib.eshia.ir/10057/1/141/محله) [↑](#footnote-ref-2)